

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الکساندر مزیایف * (ALEXANDER MEZYAEV)

برگردان: ا. م. شیری

۰۸ اپریل ۲۰۲۳

نظم جهانی مبتنی بر قوانین، خطری برای کل جهان



جایگاه و نقش کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین در مفهوم جدید سیاست خارجی روسیه تشکیل اتحاد شوروی، سازندگی‌های سوسیالیستی و سپس، پیروزی شکوهمند آن در جنگ جهانی دوم باعث بیداری خلق‌های مستعمرات و تشدید مبارزات رهایی‌بخش آن‌ها و در نتیجه، فروپاشی نظام استعمار گردید. گمان می‌رود، پیروزی فدراسیون روسیه نیز در جنگ با ناتو در اوکراین، موجب فروپاشی استعمار نو خواهد گشت.

حقوق بین‌الملل معاصر، یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جهانی است، اما این ارزش، یعنی ارزش جهانی، در نزد همه دولت‌ها ارزشمند نبوده است.

قرن‌هاست که حقوق بین‌الملل به دست‌آبزار گروه کوچکی از کشورها برای سرکوب بقیه جهان از یک سو و از سوی دیگر، برای هماهنگ کردن سرعت در درون این گروه تبدیل شده است. انعکاس آن قوانین بین‌المللی هنوز باقی است. بنابراین، اصل زیبایی آزادی دریانوردی برای توجیه غارت نامحدود منابع بحری کشورهایی بود که یا ناوگان خود را نداشتند و یا از نظر نظامی ضعیف‌تر بودند. حتی همان حقوق بین‌الملل در اسناد ارگان‌های اصلی سازمان ملل متحد نیز منعکس شده است. به اضافه این، ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر می‌دارد که اصول کلی قوانین به رسمیت شناخته شده از سوی ملل متمدن، در میان منابع حقوقی مورد استفاده دیوان نیز منعکس شده است.

همه چیز با آغاز روند استعمارزدائی شروع به تغییر کرد. حقوق بین‌الملل جنبه برابر حقوقی افراد به خود گرفت. در دوره سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۵۰ به تدریج در روند یک مبارزه شدید، پایه‌های حقوق بین‌الملل مترقی شکل گرفت. به نظر می‌رسد که همیشه اینگونه خواهد بود. با این حال، با نابودی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی (یا به عبار بهتر، پروژه جهان کمونیستی)، وضعیت به طور اساسی تغییر کرد.

حذف آن نیروئی که شکل‌گیری حقوق بین‌الملل مترقی را تضمین می‌کرد، نمی‌توانست بر تغییر این قانون بی‌تأثیر باشد. یک سال و نیم پس از نابودی اتحاد جماهیر شوروی، اولین ضربه بزرگ به حقوق بین‌الملل در ماه مه سال ۱۹۹۳ وارد شد. دیوان کیفری بین‌المللی تأسیس گردید. نخستین ضربه، آزمایشی بود و فقط به بالکان وارد شد. اما نوسان، جهانی بود. نخست این که، چندین جمهوری یوگسلاوی سابق مستقیماً زیر ضربه دادگاه قرار گرفتند. دوم این که، همه دیگران به طور غیرمستقیم تحت تأثیر قرار گرفتند. آن‌ها موظف شدند با دادگاه همکاری کنند. یعنی، تمام الزامات آن را رعایت نمایند. اما خواسته‌های مطرح شده، مطالبات ناقص قوانین بین‌المللی بودند! به عنوان مثال، الزام به دستگیری رئیس دولت، در واقع، تغییر در هنجارهای اساسی حقوق بین‌الملل است. زیرا، رئیس دولت قبل از این که یک شخصیت حقیقی باشد، یک شخصیت حقوقی در حاکمیت کشور است!

تغییر قوانین بین‌المللی به دشواری صورت گرفت. از این رو، جایگزینی حقوق بین‌الملل با حقوق جدیدی آغاز شد و با نام بی‌شکل و مبهم «نظم جهانی مبتنی بر قوانین» نامیده شد. این قواعد در مراکز حکمرانی جهانی نوشته شدند. ولی نظم جهانی مبتنی بر قوانین، یک پدیده عینی است. این امر تنها به این دلیل پدید آمد که اولاً، امکان تغییر قوانین بین‌المللی سرکوبگرانه به حقوق مترقی، در طول چندین دهه وجود داشت و ثانیاً، موضوع این تحول از بین رفت. «نظم جهانی مبتنی بر قوانین» نمی‌توانست پس از نابودی اتحاد شوروی و نظام سوسیالیستی جهانی پدید آید.

تغییر اساسی در وضعیت بین‌المللی در سال ۲۰۲۲، وظایف جدید زیادی را برای روسیه تعریف کرد. یکی از آن‌ها به تغییر مفهومی در سیاست خارجی فدراسیون روسیه مربوط می‌شود. نسخه‌های قبلی مفهوم عموماً از این واقعیت ناشی می‌شد که اولویت سیاست خارجی روسیه غرب است. بقیه جهان (به درجات مختلف بسته به نسخه‌ها) گوئی در حاشیه‌های خود قرار داشتند.

مفهوم جدید سیاست خارجی اعلام شده فدراسیون روسیه در ۳۱ مارچ ۲۰۲۳، یک نسخه جدید نیست، بلکه یک مفهوم جدید است.

در نهایت، در این مفهوم، آسیا، آفریقا و امریکای لاتین جایگاه شایسته خود را گرفته‌اند. به سخن دقیق‌تر، در بین اولویت‌های منطقه‌ئی، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (جمهوری‌های اتحاد شوروی. م.) و اتحادیه اقتصادی اوراسیا رتبه اول را به خود اختصاص دادند (تحت عنوان «کشورهای همسایه»). جالب‌تر این است که قطب شمال در رتبه دوم و اوراسیا (چین و هند به عنوان اولویت داخلی)، منطقه آسیا و اقیانوسیه، جهان اسلام، آفریقا، امریکای لاتین و بحیره کارائیب در رتبه‌های بعدی جای گرفتند. اروپا اکنون در جایگاه ماقبل آخر قرار دارد. ایالات متحده آمریکا همراه با دیگر کشورهای «انگلساکسون» در آخرین رتبه جای گرفته‌اند! این نخستین بار است که چنین صلاحیتی از دستورالعمل‌های سیاست خارجی ما ارائه می‌شود!

بخش آفریقائی مفهوم یک نکته قابل توجه است. این، با توجه به عدم وجود هرگونه مفاد مفهومی برای این قاره در مفاهیم قبلی و اجلاس دوم روسیه و آفریقا در جولای ۲۰۲۳، بسیار مهم است.

اولاً، آفریقا «یک مرکز متمایز و تأثیرگذار توسعه جهانی» نامیده می‌شود. ثانیاً، روسیه همبستگی خود را با کشورهای آفریقائی، به ویژه با «تلاش آن‌ها برای ایجاد جهانی چندقطبی عادلانه‌تر و از میان برداشتن نابرابری اجتماعی و

اقتصادی اعلام می‌کند». این فرض اصلی است. این مفهوم همچنین به سیاست «پیچیده» استعمار نو به عنوان عاملی که مانع ایجاد نظم جهانی عادلانه می‌شود، تأکید می‌کند.

اولویت سیاست روسیه در آفریقا پنج مورد است و آن‌ها عبارتند از:

اول- حمایت از تضمین حاکمیت و استقلال کشورهای این قاره. کمک‌های امنیتی (با در نظر گرفتن انواع امنیت مانند غذا و انرژی) و همچنین، همکاری نظامی و نظامی-فنی به طور مستقیم ابزار چنین حمایتی نامیده می‌شود.

دوم- کمک به حل و فصل درگیری‌های مسلحانه (و غلبه بر عواقب آن‌ها)؛ تصریح شده که روسیه در این راستا، بر اصل «راه حل آفریقائی برای حل مشکلات آفریقا» تأکید خواهد کرد.

سوم- روسیه و آفریقا باید به صورت دوجانبه و چندجانبه همکاری کنند؛ دو حوزه اصلی برای چنین همکاری نام برده می‌شود. این‌ها، اتحادیه آفریقا و مجمع مشارکت «روسیه و آفریقا» را شامل می‌شوند.

چهارم- افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری هم در حوزه بین‌دولتی و هم در چارچوب انجمن‌های بین‌المللی (مانند منطقه تجارت آزاد آفریقا از یک سو و از سوی دیگر، اتحادیه اقتصادی اوراسیا).

و بالاخره، پنجم- در توسعه همکاری‌های بشردوستانه، به آموزش کادرهای ملی، مسائل بهداشتی و غیره تأکید ویژه شده است. جایگاه جدید کشورهای موسوم به جهان سوم- یک ضرورت دیرینه است. **در مفهوم جدید سیاست خارجی**

روسیه، آخری در جایگاه نخست قرار گرفت. و این تغییر در اولویت‌ها مبنای عینی دارد. آسیا، آفریقا و امریکای لاتین قربانیان اصلی قوانین بین‌المللی سرکوبگر قدرت‌های «متمدن» و نظم جهانی «مبتنی بر قوانین» بودند. عبارت غیرمعمول بند ۵۷ مفهوم، جالب توجه است. در این بند گفته می‌شود که روسیه با آفریقا «اتفاق نظر» دارد، اما این قاره آفریقا، قاره اصلی در جست و جوی جهانی جدید و عادلانه است.

کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین به طور عینی به این واقعیت که نظم جهانی باید بر اساس هنجارهای حقوق بین‌الملل تنظیم شود، نه بر پایه قوانینی که برای یک مشت منتخب «باغ» و برای همه بقیه «جنگل» درست می‌کند، علاقه دارند.

مأخوذ از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۱۸ فروردین-حمل ۱۴۰۲

* - دکترای حقوق، پروفیسور، معاون سردبیر مجله حقوق بین‌الملل کازان، عضو گروه وکلای بین‌المللی مدافع حقوق سلابادان میلو شویچ